



راهبرد گازی اسرائیل در خاورمیانه و تاثیر آن بر معادلات انرژی ایران

دکتر ابودر رضایی^۱، دکتر سید علی منوری^۲

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

روابط ژئوپلیتیک خاورمیانه پس از کشف ذخایر عظیم گاز در مناطق انحصاری-اقتصادی کشورهای قبرس، مصر و رژیم اسرائیل، مدیترانه شرقی را به یکی از مناطق مهم انرژی تبدیل ساخت. شکل‌گیری اتحاد سه گانه بین آن کشورها و سپس مجمع گاز منطقه‌ای مدیترانه شرقی بین کشورهای صادر کننده و مصرف کننده باعث آن شد که نه تنها همکاری انرژی منطقه‌ای، بلکه ثبات اقتصادی و سیاسی منطقه چالش برانگیز خاورمیانه با وجود خطوط متعدد درگیری به بحث روز محافل سیاسی و امنیتی تبدیل شود. عمده تحولات انرژی منطقه‌ای پس از کشف گاز در مدیترانه شرقی متأثر از تحولات گازی اسرائیل است. این مقاله با مطالعه امنیت انرژی از منظر مکتب کپنهاگ با روش توصیفی-تحلیلی از تحولات گاز مدیترانه شرقی به دنبال پاسخ به این سوال است که، رژیم اسرائیل چگونه از اهرم گاز به توسعه امنیت منطقه‌ای خود در مدیترانه شرقی پرداخته است؟ و نقش آن بر معادلات امنیت انرژی ایران در چیست؟ و فرضیه مطرح آن است که، کشف گاز در اسرائیل به توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشورهای حوزه مدیترانه شرقی و سپس بر روند شکل‌بندی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه خاورمیانه تاثیر گذاشته است.

کلید واژگان: مدیترانه شرقی، مجمع گاز منطقه‌ای، اسرائیل، خاورمیانه، امنیت انرژی

^۱ دانش آموخته دکتری روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، ایمیل:

rezaeiabozar52@gmail.com

^۲ دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

منابع انرژی یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیکی در نظام سیاسی کنونی جهان و همچنین در تعاملات بین‌المللی میان کشورها به شمار می‌رود. کشور ایران با دارا بودن بیش از ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخیره هیدروکربنی و ۳۴ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی دومین بازیگر بالقوه است (خجسته مهر، ۱۴۰۱). با این وجود، امنیت انرژی به جایگاه کشور در زنجیره انرژی بستگی دارد. کشف حوزه‌های جدید به همراه مسایل امنیت انرژی و سیاسی، امروزه عرصه صادرات انرژی را در معادلات بین‌المللی متاثر ساخته است. یکی از آن مناطق چالش برانگیز در تحولات انرژی، کشف گاز در مدیترانه شرقی می‌باشد. ارزش استراتژیک منطقه مدیترانه شرقی به عنوان یک کانال ارتباطی انرژی از دیرباز شناخته شده است. کشف گاز در منطقه انحصاری اقتصادی رژیم اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۹/۲۰۱۰ و سپس در میداين آفردیت قبرس در سال ۲۰۱۱ (De Boncourt, 2013: 8-10). و میدان ظفر مصر در سال ۲۰۱۴، روابط قدرت بین کشورهای منطقه را تغییر داد. هر چند کشف گاز در اسرائیل و قبرس این ایده را تقویت کرد که همکاری گازی بین کشورها باعث تقویت همکاری منطقه‌ای همانند اتحادیه اروپایی ذغال سنگ و صنعت فولاد آلمان و فرانسه در سال ۱۹۴۹ خواهد شد اما در عمل این اظهارات با توجه به شرایط منطقه خاورمیانه تحقق نیافت تا اینکه پس از کشف گاز در میدان ظفر مصر در سال ۲۰۱۴ انتظارات برای همکاری گاز منطقه‌ای بین کشورهای کشف شده انرژی و دیگر کشورهای منطقه بوجود آمد.

در فلسطین اشغالی همچنین یک بحث سیاسی داخلی طولانی مدت در مورد مدیریت منابع گاز ایجاد شد که حاصل نبود قوانین روشن درباره مالیات و میزان تخصیص منابع و صادرات می‌بود که به تاخیر در تصمیمات کلیدی سرمایه‌گذاری منجر گردید. اما پس از تصویب قوانین نظارتی و علاقه شدید مقامات اسرائیلی و شرکت‌های خصوصی و همینطور مقامات سیاسی مصر و قبرس جهت تحکیم روابط گازی برای صادرات، مجمع گاز منطقه‌ای تشکیل و سرمایه‌گذاری برای صادرات گاز به اتحادیه اروپا و کشورهای فاقد انرژی در منطقه آغاز شد. نقش اسرائیل در ایجاد خط لوله گاز به اتحادیه اروپا و ایجاد همکاری منطقه‌ای با کشورهای همکار همچون مصر، اردن و ترکیه بسیار برجسته برآورد شده است. از همین رو این مقاله با طرح این سوال که، رژیم اسرائیل چگونه از اهرم گاز به توسعه امنیت منطقه‌ای خود در مدیترانه شرقی پرداخته است؟ و نقش آن بر معادلات امنیت انرژی ایران در چیست؟ و فرضیه مطرح آن است که، کشف گاز در اسرائیل به توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشورهای حوزه مدیترانه شرقی و سپس بر روند شکل‌بندی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه خاورمیانه تاثیر گذاشته است، به اهمیت شناسایی بازارهای جدید گاز در منطقه خاورمیانه توجه دارد. بنابراین، چالش اصلی شناسایی بازارهایی است که گاز در آنها می‌تواند رقابتی باشد. برخی از بازارها در مصر، ترکیه و اردن یافت شده‌اند، اما بخش قابل توجهی از اکتشاف‌ها فقط در صورتی توسعه می‌یابد که هزینه ساخت زیرساخت‌های لازم برای انتقال گاز به بازارهای جدید قابل توجیه باشد. تل‌آویو

تصور می‌کند که صادرات گاز می‌تواند ابزار لازم برای خروج از انزوای منطقه‌ای، با ایجاد رابطه اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و حتی نظامی منجر شود.

۲- چارچوب نظری: امنیت انرژی از منظر مکتب کپنهاک

مکتب کپنهاک جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی می‌باشد. توجه این مکتب به مطالعات امنیتی دوره پسا جنگ سرد و تحولات گسترده‌ای که در حوزه امنیت رخ داده، می‌باشد. از دیدگاه باری بوزان، در شرایط جدید بین‌المللی، امنیت مفهوم تنگ نظرانه یا صرفاً نظامی را از دست داده و در دوره پسا جنگ سرد شاهد گسترش دامنه امنیت به ابعاد چندگانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، جامعه‌ای و زیست محیطی می‌باشیم و بیان می‌دارد که امنیت مسئله‌ای است بیناذهنی که مبتنی بر تصمیم بازیگران خواهد بود. (Buzan, 1991: 10-11).

امروزه انرژی مهمترین عنصر تاثیرگذار در سیاست و اقتصاد جهانی در سیستم بین‌المللی فعلی ما شده است. اگرچه استفاده از امنیتی‌سازی برای مطالعه از انرژی همانطور که به نظر می‌رسد سر راست نیست. ترکیب امنیت + انرژی به ندرت ویژگی‌های اساسی و عواقب قابل توجهی که نظریه امنیتی‌سازی فرض می‌کند، دارد. باری بوزان و آلی ویور امنیتی‌سازی را به عنوان یک فرایند گفتمان که از طریق یک فهم بیناذهنی در درون یک جامعه سیاسی برای برخورد با چیزی به عنوان تهدید وجودی و فعال کردن فراخوانی اقدامات فوری و ارزیابی برای توافق با تهدید ساخته می‌شود؛ تعریف می‌کنند (Buzan and Waever, 2003: 491). از همین

رو، استفاده از امنیت انرژی به تدریج در دهه اول ۲۰۰۰ افزایش یافت. آله شرب^۱ و جسیکا جواهل^۲ در سال ۲۰۱۳ امنیت انرژی را به عنوان یک نوع ایده آل مطرح و تاکید بر خصوصیات سیستم انرژی بر اساس یک ارزیابی از مطالعات امنیتی مشخص کردند که امنیت انرژی چه معنایی دارد؟ یعنی آنها پیشنهاد می کنند که اگر امنیت انرژی در واقع امنیتی است باید پرسیم: امنیت برای چه کسی؟؛ برای کدام ارزش ها؟ و از چه تهدیدهایی؟ از این رو، آنها به یک تعریف ساده اما تحلیلی قابل توجه از امنیت انرژی به عنوان «آسیب پذیری کم از سیستم های انرژی حیاتی» می رسند و همچنین فضایی را برای ادراک و عوامل غیرمادی از مساله باقی می گذارد. هر دو سیستم انرژی حیاتی و آسیب پذیری آنها نه تنها پدیده های عینی نیستند، بلکه ساختارهای سیاسی نیز هستند که توسط بازیگران مختلف اجتماعی تعریف و اولویت بندی شده است (Cherp and Jewell, 2014: 419).

فلیکس سیوتو^۳ (۲۰۱۰) اظهار می دارد که کلیت انرژی توانایی عادی سازی امنیت را دارد و آن را از نظر سیاسی غیر استثنایی ارائه می دهد که می تواند به امنیتی زدایی از امنیت منجر شود. همانطور که باروسو اظهار داشته است: «انرژی به خودی خود مساله ای نیست، این بر روی بخش های دیگر اثر می گذارد» و سپس می گوید: اگر از من سوال شود مهمترین مساله برای امنیت و توسعه جهانی چیست؟ موضوعی که بالاترین پتانسیل برای راه حل دارد در عین حال مشکلات جدید در تغییرات آب و هوایی دارد، انرژی است (Ozcan, 2013: 11). انرژی امروزه، نه تنها به عنوان

¹ Aleh Cherp

² Jessica Jewell

³ Felex ciotto

یک چالش اصلی از نظر اقتصادی محسوب می شود بلکه مفهوم امنیت انرژی توسط بازیگران قرن ۲۱ به طور موازی یک جنبه اساسی از مطالعات امنیتی وارد دستور کار سیاست بین الملل شد. با این حال، به دنبال بحران انرژی ۱۹۷۳ بازیگران جهانی اقدام به امنیتی سازی امنیت انرژی کردند. در نتیجه، انرژی از برنامه «سیاست عادی» و از قوانین بازی مصوب خارج شد. در چنین زمینه ای، سیاست نسبت به ابعاد اقتصاد انرژی به میزان قابل توجهی با امنیتی سازی انرژی در نظر گرفته می شود (Buzan, weaver and de wilde, 1998: 23).

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش کیفی است و به موضوع تحقیق سیاست گازی اسرائیل پس از کشف گاز در میادین انحصاری-اقتصادی اسرائیل که منجر به شکل گیری گرویدر انرژی در مدیترانه انرژی شده است توجه می کند و در نتیجه به تاثیر آن بر روند معادلات انرژی ایران پرداخته است. روش جمع آوری داده ها و اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای و با استفاده از منابع مکتوب مانند کتاب و مقاله، و منابع رسانه ای استفاده شده است.

۴- یافته های تحقیق

۴-۱- روند کشف گاز اسرائیل در مدیترانه شرقی

تا قبل از کشف میادین گاز تامار و لویاتان در سال ۲۰۰۹/۲۰۱۰ در منطقه انحصاری و اقتصادی فلسطین اشغالی، ذغال سنگ به عنوان منبع اصلی انرژی تلاویو بشمار

می‌رفت و تقریباً بالای ۶۰ درصد برق آن کشور از طریق نیروگاه‌های حرارتی تامین می‌شد. کنسرسیوم متشکل از شرکت‌های نوبل انرژی و دیلیک از سال ۱۹۹۸ در حال توسعه میادین گاز دریایی هستند. آنها میدان نوآ (Noa) را در سال ۱۹۹۹ کشف کردند که امروزه بسته شده است سپس میدان ماری-ب (Mari-B) را در سال ۲۰۰۰ کشف کردند که هنوز سهم زیادی از تقاضای گاز خانگی آن رژیم را تامین می‌کند. اما تحول گاز مدیترانه شرقی پس از کشف میادین گازی تمار با ظرفیت (۲۸۰ میلیارد متر مکعب) و لویاتان (۶۲۰ میلیارد متر مکعب) در سالهای ۲۰۰۹/۲۰۱۰ می‌باشد که فلسطین اشغالی را به تغییر سیاست انرژی جلب کرد. پس از آن میادین کوچک دیگری مانند دالیت (۱۴ میلیارد متر مکعب)، دلفین (۲/۳ میلیارد متر مکعب) و تانین (۳۱ میلیارد متر مکعب) و همچنین در فوریه ۲۰۱۲ میدان شیمشون با ظرفیت تقریبی ۱۵-۷ میلیارد متر مکعب توسط شرکت تاکسان (Taxan) کشف شده‌اند. در نوامبر سال ۲۰۱۱، مدیرکل اداره گاز طبیعی رژیم اسرائیل یهوسوا استرن، کل پتانسیل گاز فلسطین اشغالی را ۱ تریلیون متر مکعب ارزیابی کرد، درحالی‌که برآوردهای منابع آن رژیم بین ۱/۴ تا ۲/۳۲۴ تریلیون متر مکعب است (De Boncourt, 2013: 8-10).

گاز فلسطین اشغالی این پتانسیل را دارد که بازی را برای روابط انرژی منطقه‌ای و روابط اقتصادی تغییر دهد. در منطقه‌ای که قدرت اقتصادی بستگی زیادی به ژئوپلیتیک دارد، گاز آن رژیم ابزاری مهم برای چانه‌زنی اقتصادی و سیاسی است که نهایتاً منجر به تغییر روابط منطقه‌ای خواهد شد. در حالیکه بازارهای بالقوه بی‌شماری از جمله اتحادیه اروپا-برای گاز طبیعی فلسطین اشغالی وجود دارد اما آن رژیم صادرات گاز را به بازارهایی که هم از نظر سیاسی و هم از نظر نزدیکی

جغرافیایی مقرون به صرفه باشد، در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است (Hochberg, 2016: 9). به همین ترتیب، مصر با وجود کشف میدان بزرگ ظهر (Zohr)، اردن و ترکیه محتمل‌ترین گزینه‌ها برای دریافت اولین صادرات گاز آن رژیم هستند.

۴-۲- سیاست گازی اسرائیل با مصر بعد از بهار عربی

بهار عربی ۲۰۱۱ در مصر باعث آن شد که رابطه انرژی با رژیم اسرائیل به طور گسترده محکوم گردد. پس از برکناری حسنی مبارک شاهد یک روند گذار سیاسی و برهم زدن قانون و نظم در منطقه سینا بودیم. خط لوله گاز حداقل ۱۴ بار بین فوریه ۲۰۱۱ تا آوریل ۲۰۱۲ برای ایجاد اخلال در عرضه بین رژیم اسرائیل و اردن حملاتی صورت گرفت. در سال ۲۰۱۱، عرضه گاز به مدت ۲۵۵ روز قطع شد. سرانجام در ۲۲ آوریل ۲۰۱۲، شرکت گاز طبیعی هولدینگ یک طرفه از قرارداد گاز با شرکت گاز مدیترانه شرقی مستقر در فلسطین اشغالی با استناد به عدم پرداخت گازرسانی برای ۴ ماه خارج شد (Jyoti Dos, 2020: 218). زاک گلد دو دلیل از حملات به خط لوله ارتباطی شبه جزیره سینا را تشخیص داده است. اول، جمعیت بادیه نشین در سینا درک کردند، کانال گاز به عنوان یک منبع دزدیده شده که به نفع دولت بود در حالی که جوامع محلی را از بین می‌برد. دوم، گروه‌های رادیکال به آن، به عنوان یک نعمت اسلامی نگاه می‌کردند (که به اشغالگر صهیونیست فروخته می‌شود) (Gold, 2016). بنابراین حملات به زیرساخت‌های خط لوله، مصر را به توقف عرضه گاز سوق داد. مهمتر از همه، مصر در جریان شیوع

اعتراضات بهار عربی با مشکلات عظیمی روبرو بود. بدهی به ارزش ۴ میلیارد دلار به شرکت‌های بین‌المللی انرژی، ناشی از هزینه زیاد در مصرف گاز طبیعی، کاهش تولید، همراه با عدم وجود قراردادهای اکتشاف جدید در نتیجه کمبود برق ذخیره انرژی را فلج کرد.

گودت بهگات استدلال کرده است که علی‌رغم ادامه پیمان صلح، بخش عمده‌ای از جامعه مصر به رژیم اسرائیل به عنوان اشغالگر نگاه می‌کنند (Bahgat, 2011). به ویژه مخالفت داخلی علیه تصمیم دولت مبارک در مورد عرضه گاز به اسرائیل از زمان بهره‌برداری خط لوله در سال ۲۰۰۸. در طول حملات سه هفته‌ای آن رژیم در غزه در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸، روابط گاز با هیاهوی گسترده مردم روبرو شد. در دوره پس از بهار عربی، رژیم اسرائیل در دوره انتقالی و همچنین در طی رژیم کوتاه مدت اخوان المسلمین بین ژوئن ۲۰۱۲ تا ژوئیه ۲۰۱۳ به رهبری مرسی محتاط بود. آن رژیم همچنین می‌ترسید که پیمان کمپ دیوید نسخ شود با این حال این پیمان لجام گسیخته باقی ماند و گسترش در همکاری انرژی به عنوان یک عنصر مهم که منجر به عادی سازی روابط خواهد شد به مرحله بعدی قدرت انتقال یافت. از منظر اسرائیل، در مرحله اولیه، تاسیسات گاز طبیعی مایع (LNG) موجود در دامیتا و ایدکو به عنوان ترانزیت موقعیت‌های گاز مایع برای صادرات در نظر گرفته شد. در همین زمان، عمر کم گاز در مصر فرصتی برای نفوذ فلسطین اشغالی به بازار آن کشور فراهم کرد. در دوره پس از بهار عربی بخش انرژی مصر به دلیل رشد روزافزون جمعیت و افزایش تقاضا در منابع، حمل و نقل و حوزه‌های داخلی سخت با بحران مواجه شد (Jyoti Dos, 2020: 222).

به گفته صندوق مارشال آلمان، مصرف کل انرژی مصر بین سال های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ با رشد ۵/۶ درصد همراه بوده است، و تقاضا برای گاز ۸/۷ درصد افزایش یافته است. مصر به شدت تحت تاثیر افزایش میزان مصرف عرصه داخلی و رشد تولید، از جمله تخلیه ذخایر و برداشت سرمایه گذاری خارجی و رکود تولید قرار گرفت. به طور سنتی، رژیم های سیاسی در مصر از یارانه های اولیه کالاها و خدمات، از جمله نفت و گاز، به عنوان ابزاری برای حفظ ثبات سیاسی همراه با عدم پرداخت دولت در کسری بودجه در بدهی به اپراتورهای بین المللی به عنوان مانع سرمایه گذاری جدید در بخش انرژی استفاده می کردند. مصر تا ژوئن ۲۰۱۴ به میزان ۷/۵ میلیارد دلار به شرکت های انرژی بین المللی بدهکار بود (Ghafar, 2016; Hegazy, 2015). علاوه بر این، بین سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳، کل صادرات گاز مصر به طور متوسط سالانه ۳۰ درصد کاهش یافته و تراز تجاری هیدروکربن در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ منفی شده است. سطح بالای مصرف و کاهش تولید مصر را وادار به واردات گاز کرد.

اولین نشانه های مربوط به همکاری در زمینه انرژی در ۱۳ اوت پس از آن ظاهر شد که شرکت دیلیک دریلینگ اعلام کرد که در حال مذاکره با مصر در مورد دسترسی هر دو کشور از امکانات LNG برای صادرات گاز به اروپا و مصرف داخلی مصر است. در نوامبر ۲۰۱۳، نوبل انرژی نیز رضایت خود را برای عرضه گاز مصر به جای گاز LNG کشورهای دور اروپایی اعلام کرد. سرانجام، در ماه مه ۲۰۱۴ نوبل انرژی اعلام کرد که ۷۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از میدان تامار به تاسیسات

LNG در دامپتا صادر می‌کند. در ژوئن ۲۰۱۴، توسعه دهندگان لویاتان یک توافق برای عرضه سالانه ۷ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی به تاسیسات **LNG** در ادکو به مدت ۱۵ سال را پیشنهاد کردند (Ashwarya, 2018: 93). برای مصر، امکانات **LNG** به عنوان یک منبع مهم برای حفظ کانال دریافت گاز برای تجهیزات داخلی و تولید **LNG** برای صادرات مجدد در سال‌های بعدی می‌باشد.

مذاکرات انرژی با شرکت‌های مصری پس از داوران در محل اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) متوقف شد، در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۱۵، شرکت‌های مصری باید ۷۶ میلیارد به شرکت **IEC** و ۲۸۸ میلیون دلاری به شرکت **EMG** جریمه به عنوان غرامت برای لغو توافق‌نامه گازی و عدم انجام تعهدات قراردادی در سال ۲۰۱۲ بپردازد. در سال ۲۰۱۷، مصر توافق اولیه‌ای با اسرائیل برای حل پرونده داوری پس از توافق دوم برای کاهش میزان غرامت بدست آورد. مصر موافقت کرد که شرکت‌های خصوصی اجازه واردات گاز از فلسطین اشغالی را داشته باشند. در ۸ آگوست ۲۰۱۷، رئیس جمهور الفتح السیسی قانونی را امضا کرد که به شرکت‌های خصوصی برای واردات گاز اجازه می‌دهد. توسعه دهندگان لویاتان در آگوست ۲۰۱۷ همچنین مذاکره با دلفینوس هلدینگ ال تی دی (**Dolphinus Holdings Ltd**) یک اتحادیه مشترک در مصر، برای فروش ۳ میلیارد متر مکعب گاز در سال از طریق خط لوله الفجر، به جای خط لوله مستقیم اریش-اشکلون آغاز کردند (Gardosh, Golan, Ippman, 2019). در ۱۹ فوریه ۲۰۱۸ در یک توافق‌نامه برجسته، دیلیک دریلینگ (**Delek Drilling**) و نوبل انرژی (**Noble Oil**) قراردادی با شرکت مصری دولفینوس برای تامین ۶۴ میلیارد متر مکعب گاز برای ۱۰ سال به ارزش

۱۵ میلیارد دلار از میدان‌های گازی تامار و لویاتان منعقد کردند. مصر نیمی از واردات خود را برای مصارف داخلی استفاده خواهد کرد و بقیه را برای صادرات مجدد در LNG در نظر گرفته است. این قرارداد را در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۸، شرکت گاز شرق مصر با ارزش ۱۴۸ میلیون دلار با شرکت نوبل انرژی و حفاری دیلیک مستقر در اسرائیل تکمیل کرد بدین منظور نوبل انرژی و حفاری دیلیک هر کدام ۶۰ میلیون دلار (شرکای میدان گازی لویاتان و تامار) برای خرید ۳۹ درصد از شرکت EMG با هزینه کل ۵۱۸ میلیون دلار از خط لوله اتصال شمال سینا و اشکلون که از کار افتاده است، هزینه کنند (Jyoti Dos, 2020: 222-223).

طبق توافقنامه جدید، کاهش توانایی صادرات، خلا امنیتی، تعدیل نیرو و غیره تحت لوای جدید حل شد، در مقابل مصر نیز اقدامات لازم برای حفاظت از خطوط لوله و اطمینان از منبع تغذیه را ترتیب اثر خواهد داد. این معامله برای بسیاری تعجب آور بود زیرا مصر از سال ۲۰۱۵ در حال توسعه میدان گازی ظهر (Zohr) است. علاقه مصر به واردات گاز طبیعی از فلسطین اشغالی با استفاده از زیرساخت LNG خود برای شکل دادن به تجارت انرژی منطقه، مورد حمایت جدی تفکر استراتژیک قرار گرفت.

۳-۴- سیاست گازی اسرائیل با اردن بعد از کشف گاز

از اقداماتی که رژیم اسرائیل به دنبال آن است، تامین گاز مورد نیاز اردن می‌باشد. انرژی در صدر بسیاری از هزینه‌های دولت اردن قرار دارد، به طوری که واردات انرژی تاثیر منفی بر اقتصاد این کشور دارد. به طور کلی استراتژی اردن این است

که تا سال ۲۰۲۲، به نوسازی منابع انرژی خود پردازد که بر اساس برنامه تدوین شده، سهم گاز طبیعی در انرژی مورد نیازش ۲۹ درصد است. تا قبل از کشف میدان گازی تمار و لویاتان گاز اردن از طریق خط لوله‌ای که از مصر به فلسطین اشغالی کشیده شده است، تامین می‌شد. به دلیل مخالفت اعراب با تامین گاز مورد نیاز رژیم اسرائیل، طی سال‌های اخیر این خط لوله ۱۴ بار منفجر شده است. لذا اردن راغب است تا گاز مورد نیاز خود را به دلیل ملاحظات امنیتی از منبع دیگری تامین نماید. فلسطین اشغالی به دو علت به فکر صادرات گاز به اردن افتاد: یکی اینکه به دلیل عدم زیرساخت‌های لازم برای صادرات گاز به اروپا و یا سایر بازارهای جهانی، صادرات گاز اسرائیل به خارج از منطقه گران تمام می‌شود، لذا اردن به دلیل نزدیکی به منابع گازی اسرائیل، بهترین گزینه برای صادرات گاز این کشور است. دومین علت که برای رژیم اسرائیل اهمیت راهبردی بسزایی دارد از دو جنبه برخوردار است: یکی وابسته نمودن امنیت انرژی اردن به خود و دیگری عدم وابستگی این کشور به ایران در زمینه انرژی به ویژه پس از بهار عربی در منطقه است. هم زمان با بهار عربی در سال ۱۳۸۸، طرح انتقال گاز ایران از طریق عراق به سوریه مطرح شد و مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران در بهمن ۱۳۸۹ اعلام کرد که مسیر جدید انتقال گاز ایران به اروپا از طریق خاک عراق و سوریه نهایی شده است هرچند طرح انتقال گاز از طریق خاک عراق به سوریه به دلیل ناامنی‌های حاصل از بحران این کشور تا اطلاع ثانوی متوقف شد ولی این مساله باعث ترس رژیم صهیونیستی شد (ابراهیمی و رشیدی، ۱۳۹۴: ۹۴).

پس از معاهده صلح آن رژیم با اردن، توافق‌نامه‌های بسیاری در حوزه بهداشت، اقتصاد، محیط زیست و علمی و فرهنگی بین این دو کشور منعقد شده است. مهمترین این توافق‌نامه‌ها مربوط به مناطق صنعتی استاندارد، همکاری در پروژه‌های کشاورزی و انرژی می‌توان برشمرد. کمبود منابع انرژی اردن و به ادعای مقامات اردنی، هزینه بر و غیرقابل اعتماد بودن طرف‌های دیگر، این کشور را به خرید گاز رژیم اسرائیل طی دو توافق‌نامه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ سوق داده است. در سال ۲۰۱۴ دو شرکت اردنی عرب پتاس و اردن برومین قراردادی گازی با رژیم اسرائیل بستند که به موجب آن به مدت ۱۵ سال از میدان نفتی تمار فلسطین اشغالی گاز مورد نیاز اردن را به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار خریداری می‌کنند. رژیم اسرائیل گاز این دو شرکت را از ژانویه ۲۰۱۷ تامین می‌کند. در سال ۲۰۱۶ نیز قرارداد دیگری میان شرکت نیروی برق اردن و شرکای میدان نفتی لویاتان اسرائیل با وساطت یک شرکت آمریکایی به امضا رسید که به موجب آن فلسطین اشغالی از اواخر سال ۲۰۱۹ به بعد به مدت ۱۵ سال گاز این شرکت را تامین می‌کند. بر اساس ارزیابی‌ها، درآمد ناخالص این قرارداد در حدود ۱۰ میلیارد دلار خواهد بود (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۱۸).

عدم حل و فصل مسائل بین رژیم اسرائیل و فلسطینی‌ها و پس از بحران ۲۰۱۱ بهار عربی، هیدروکربن‌ها، فرصت خوبی برای سرمایه‌گذاری زیرساخت‌ها و تجارت گاز منطقه‌ای و عرضه آن با صرفه اقتصادی مبنا همکاری شمرده می‌شود. باسم عوض الله، وزیر دارایی سابق اردن، در مجمع اقتصادی اردن در مه ماه ۲۰۱۵،

گفت: منطقه به شدت به فرصت‌های جدید تجاری نیاز دارد. وی اظهار داشت که یک نظم اقتصادی جدید برای ایجاد و حفظ ثبات لازم است. نظم سیاسی جدید در منطقه با توجه به درگیری‌های بی‌شمار رویایی دور به نظر می‌رسد. اما طبق منطق بی‌رحمانه بقاء، در حال حاضر بسیاری از مسائلی مانند آب، انرژی و تجارت بسیاری از مردم را با همسایگان خود به سمت همکاری سوق داده است. عوض الله ادامه داد: کشورهای منطقه مدیترانه شرقی تنها فقط ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را صرف زیرساخت می‌کنند. با پایین آمدن قیمت نفت، دولت‌های منطقه می‌توانند بجای توسعه زیرساخت‌ها از یارانه‌های انرژی استفاده کنند. در واقع، این فرصت‌های تجاری جدید را می‌توان تا حد زیادی از طریق هیدروکربن‌های قوی مانند گاز طبیعی، مراکز عرضه و تقاضا با استفاده از خط لوله گاز عربی-عبری (خط لوله EMG مصر و رژیم اسرائیل تا سرزمین‌های اردن و فلسطین گسترش می‌یابد)، در نظر گرفت. در میان مدت و بلند مدت، یک هیدروکربن منطقه‌ای می‌تواند سیستم تجارت قدرتمندی را برای منافع سیاسی طرف‌های ذی نفع و مردم منطقه به همراه داشته باشد. این مستلزم آن است که بهره‌برداری از فرصت‌هایی که در تجارت هیدروکربن‌های منطقه‌ای وجود دارد، نه به عنوان یک منبع بالقوه درگیری، بلکه به عنوان پایه‌ای برای کاهش تنش‌های سیاسی و بهبود زندگی مردم در نظر گرفت (Ezrahi, 2016: 82-83).

۴-۴- روابط گازی اسرائیل و ترکیه

ترکیه ممکن است بیشترین پتانسیل را برای گاز رژیم اسرائیل از نظر اندازه و سطح بازار ارائه دهد. پس از سردی روابط دو کشور پس از حادثه کشتی ماوی مارمارا

که به کشته شدن ۹ شهروند ترکیه توسط سربازان اسرائیلی شد، پس از شش سال از عدم روابط دیپلماتیک در ژوئن ۲۰۱۶ به خاطر توافق گاز به ایجاد عادی سازی روابط کردند. صادرات گاز به ترکیه تا مرحله دوم توسعه لویاتان (حدود سال ۲۰۲۰) انجام نمی‌شد، بخشی از این امر به دلیل کمبود زیرساخت‌ها است. با این حال، یک توافق‌نامه گاز رژیم اسرائیل و ترکیه می‌تواند سودهای چشمگیری برای هر دو کشور به همراه داشته باشد. برای پاسخگویی به تقاضای گاز و تولید نزدیک به ۵۰ درصد از برق این کشور، ترکیه تقریباً به ۵۰ میلیارد متر مکعب گاز سالانه استفاده می‌کند. از آنجائیکه ترکیه از نظر جغرافیایی که بین بازارهای شرقی و غربی قرار گرفته است، این پتانسیل را دارد که به عنوان قطب لوله‌کشی گاز طبیعی عمل کند. با این حال، افزایش تقاضای گاز طبیعی داخلی فرصت‌های صادراتی را ممنوع کرده است. گاز اسرائیل می‌تواند به ترکیه کمک کند تا پتانسیل خود را به عنوان یک کربدور گاز طبیعی انجام دهد، که حتی می‌تواند گاز اسرائیل را به بازارهای اروپا برساند (Hochberg, 2016: 11).

با این حال، به دلایل جغرافیایی، خط لوله احتمالی رژیم اسرائیل و ترکیه باید فضای دریایی قبرس تقسیم شده سیاسی را که روابط دیپلماتیک با ترکیه ندارد را پیمایش کند. قبرس به جمهوری ترکی قبرس شمالی (T.R.N.C) تقسیم شده است کشوری خود اظهاری که فقط توسط ترکیه و جمهوری قبرس به رسمیت شناخته شده است. ساحل جنوبی جمهوری ترکی قبرس شمالی فاصله کمی از میدان‌های گاز طبیعی اسرائیل (تقریباً ۲۰۰ کیلومتر) دارد، عبور خط لوله از آب‌های جمهوری

ترکی از نظر اقتصادی و زیست محیطی کاملاً منطبق بر انتخاب مسیری طولانی‌تر و گرانتر از طریق فضای دریایی جمهوری قبرس به رسمیت شناخته شده نظام بین‌الملل است. بر این اساس پیوستن مجدد جزیره ممکن است شرط لازم برای توافق نامه گاز اسرائیل و ترکیه باشد (Hochberg, 2016: 12).

قابل ذکر است، پس از سردی روابط ترکیه و رژیم اسرائیل در سال ۲۰۰۹ نیاز به گذشت زمان داشت تا کمی روابط دو کشور به گرمی گراید. اولین مرحله آشکار سازی کاهش مشکلات دو طرف در دسامبر ۲۰۱۲ بود که ترکیه و تو در مورد همکاری ناتو با رژیم اسرائیل را لغو کرد. اسرائیل بلافاصله با یک علامت مثبت پاسخ داد و شرکت دفاعی اسرائیل ال‌تا تجهیزات الکترونیکی سیستم هشدار و کنترل هوابرد آواکس (Awacs) را به ترکیه فروخت. رئیس جمهور اوباما همچنین رژیم اسرائیل را متقاعد کرد که عذرخواهی کند و از ترکیه در ماه مارس ۲۰۱۳ جبران خسارت کند. با این وجود، ضمن عذرخواهی آن رژیم، احیای روابط طرفین به زمان بیشتری نیاز داشت. در اواخر سال ۲۰۱۵، معاون رئیس حزب عدالت و توسعه اومیر کیلیک، از همکاری نزدیک با رژیم اسرائیل خبر داد. وی گفت که مردم ترکیه و فلسطین اشغالی با هم دوست بوده‌اند.

وزرای انرژی ترکیه و فلسطین اشغالی برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ ملاقات کردند و توافق کردند که احتمال حمل گاز از لویاتان به ترکیه را از طریق خط لوله زیردریایی بررسی کنند. در تاریخ ۲۶ آوریل ۲۰۱۷، هیاتی از اسرائیل به ریاست یافا بی-آری رئیس بخش امور اقتصادی وزارت امور خارجه برای همکاری‌های اقتصادی بیشتر بین کشورهای خود به آنکارا سفر کرد. ایتان نائه، سفیر جدید

اسرائیل در ترکیه توضیح داد که اسرائیل و ترکیه شروع به عادی سازی روابط و شناسایی مجدد منافع مشترک خود کرده‌اند. وی گفت اسرائیل قبلاً دوست ترکیه بوده است و آنها باید به سود هر دو ملت با یکدیگر همکاری کنند. برای سفیر، انرژی موضوعی است که فقط با کلمات حل نمی‌شود و او امیدوار بود که پروژه انرژی «شکوفای کننده روابط خواهد بود». در هشتمین اجلاس سالانه شورای اقیانوس اطلس، استانبول، شاول مریدور، مدیر کل وزارت زیرساخت‌های ملی، انرژی و منابع آب اسرائیل، اعلام کرد که آنها می‌توانند گاز اسرائیل را طی سه یا چهار سال به ترکیه منتقل کنند. برای مریدور، عرضه می‌تواند تا یک پنجم از نیازهای طبیعی ترکیه باشد. البته اسرائیل تنها یک گزینه محدود نخواهد داشت. این کشور برای صادرات گاز چندین سناریو در نظر گرفت: اولین موردی که انتقال گاز از طریق ترمینال‌های LNG در مصر است. سپس یکی دیگر از دستورالعمل‌های صادراتی آن از طریق خط لوله قبرس، و در آخرین گزینه که آن را از طریق ترکیه ارسال می‌کند. در مورد برخی گمانه‌زنی‌ها، مریدور به شدت تاکید کرد که پروژه‌های جایگزین خط لوله «دوطرفه نیستند و باید آنها را نه تنها به عنوان رقیب بلکه مکمل یکدیگر» تفسیر کرد (Aslim, 2018: 40).

وزیر انرژی فلسطین اشغالی، یوال اشتانییز، عزم ترکیه و فلسطین اشغالی را برای امضای توافق نامه احداث خط لوله آگاس به اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۱۸ اعلام کردند. برای وزیر، آن رژیم روی دو پروژه مختلف کار کرده است، یکی از طریق ترکیه به اروپا و دیگری از قبرس تا یونان و ایتالیا. بدیهی است که هدف رژیم

اسرائیل همکاری با طرف‌های ذی ربط برای پایان دادن به انزوای خود در مدیترانه شرقی است. مشارکت فعال ایران در جنگ سوریه «همکاری استراتژیک بین اسرائیل و ترکیه» یک ضرورت برای رژیم اسرائیل و در درجه اول و سپس برای ترکیه برای مهار حوزه نفوذ ایران در منطقه مدیترانه شرقی شده است و انرژی می‌تواند به عنوان عامل تعیین کننده همکاری بین ترکیه و فلسطین اشغالی بازی کند. (Aslim, 2018: 41).

خط لوله گاز لویاتان به سیهان با توجه به عمق (۱۸۰۰-۱۵۰۰ متر) و طول (۵۵۰-۵۰۰ کیلومتر) با حداقل تعهد گاز ۱۰-۸ میلیارد متر مکعب از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است. از آنجائیکه اسرائیل یک خط لوله گاز به اردن برای اختصاص دادن بازار داخلی مصر در جهت زیرساخت های موجود با ظرفیت میعانات گازی بیکار در ادکو و دامیتا ترسیم کرده است. طبق پیش بینی وزارت انرژی ترکیه ۸ میلیارد متر مکعب گاز خط لوله اسرائیل-ترکیه در حدود ۱۲ درصد تقاضای ترکیه را در سال ۲۰۲۳ زمانی که مرحله دوم تولید لویاتان به حدود ۶۵ میلیارد متر مکعب برسد، تامین می‌کند. بازار داخلی ترکیه برای اسرائیلی ها معنای اقتصادی ویژه دارد. زیرا به معنای یک گزینه محتمل به بازارهای اروپا می‌باشد. ترک‌ها ادعا می‌کنند گاز رژیم اسرائیل/قبرس فقط می‌تواند از طریق ترکیه به اروپا (خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی/خط لوله ترانس آدریاتیک) منتقل شود. (Tsakiris, Ulgen and K. Han, 2018: 24). در این راستای تلاش‌های توسط رئیس جمهور اردوغان و رژیم اسرائیل پس از جنگ روسیه و اوکراین در بهار ۲۰۲۲ پس از سفر به فلسطین اشغالی شکل

گرفته است تا روند انتقال گاز از فلسطین اشغالی به ترکیه با سرعت بیشتری صورت بگیرد.

۴-۵- راهبرد گازی اسرائیل در مدیترانه شرقی در ایجاد بلوک منطقه‌ای

تعیین میزان صادرات گاز، زمینه مناسبی برای همکاری‌های منطقه‌ای (با فروش گاز) در ابتدا با کشورهای همکار (مصر و اردن) و سپس (ترکیه و قبرس) منجر شده است. اسرائیل با درک محیط سیاسی منطقه خاورمیانه و تشویق دولت‌های منطقه مدیترانه شرقی که دارای انرژی گازی می‌باشند (Sachs and Boersma, 2015: 5-6). در سال ۲۰۱۸ پیشنهاد مجمع گاز منطقه‌ای را با همکاری مصر، اردن، ترکیه، جنبش خودگردان فلسطین، قبرس و یونان را داد که سپس این مجمع تشکیل و برآورد می‌شود که در آینده نه چندان دور لبنان و همچنین عراق با ایجاد خط لوله انتقال گاز به اردن مقدمات ورود به این مجمع را فراهم سازند. هدف عمده فلسطین اشغالی از تاسیس مجمع، ایجاد یک بازار مشترک منطقه‌ای با هماهنگی سیاست‌های انرژی کشورهای عضو است که ضمن تضمین امنیت عرضه به افزایش وابستگی متقابل از طریق تباری قیمت و ادغام زیرساخت‌ها در منطقه را دارد.

هر چند ذخایر کشف شده فلسطین اشغالی به نسبت ذخایر بازیگران مطرح منطقه‌ای از جمله ایران و قطر ناچیز است اما کشف همین مقدار با توجه به سیاست صادراتی و تشکیل مجمع گاز منطقه‌ای، زمینه همکاری منطقه‌ای را در آینده فراهم ساخته است. هدف فلسطین اشغالی از گاز بیشتر سیاسی است مطابق استراتژی اتحاد پیرامونی آن رژیم که خروج از انزوای منطقه‌ای با گسترش روابط اقتصادی

است، گاز می‌تواند به تقویت روابط اقتصادی و سیاسی، افزایش امنیت عرضه و ثبات تقاضا، تنوع اقتصادی مبتنی بر گاز و همچنین تحت فشار قرار دادن ایران در راهبرد انرژی منطقه‌ای را فراهم کند. تحقق منافع کامل تجارت گاز منطقه‌ای به اراده سیاسی همکاری در توافق نامه‌های تجارت منطقه‌ای در یک محیط نظارتی هماهنگ برای تجارت بستگی دارد، که با توجه به تمایل کشورهای منطقه از جمله مصر، اردن، ترکیه نوید همکاری‌های گسترده بین دولتی با ورود بازیگران جدید همچون عراق را نشان می‌دهد.

گاز مدیترانه شرقی زمینه رقابت برای انتقال یک کریدور جدید عرضه را بوجود آورده است. همانطور که از زمان کشف گاز در مدیترانه شرقی، در مدت خیلی کم زیرساخت‌ها برای همکاری انرژی در سطح منطقه‌ای و همچنین فضا برای صادرات گاز به اتحادیه اروپا با خط لوله مد شرقی بوجود آمده است. کیفیت و کمیت منابع گاز، موقعیت جغرافیایی و تمایل دولت‌های منطقه‌ای در توسعه زیرساخت‌های خط لوله اتصالی، استقرار تدریجی یک کریدور انرژی منطقه‌ای را مهیا ساخته است که توسط یک مرکز جدید هدایت می‌شود که رژیم اسرائیل از بنیان این امر می‌باشد. جائیکه زنجیره گاز مجبور به وابستگی متقابل اقتصادی و زمینه همکاری‌های سیاسی را با فلسطین اشغالی فراهم کرده است. پتانسیل صادرات گاز اسرائیل فرصت‌های استراتژیک را برای تل‌آویو بوجود می‌آورد که می‌تواند قدرت نفوذ فلسطین اشغالی را در عرصه‌های منطقه‌ای افزایش دهد (Mehdi, 2019: 150). نقش مجمع گاز منطقه‌ای، افزایش همکاری‌های بین دولتی با هدف کاهش هزینه‌ها و خطرات، جذب سرمایه‌گذاران و بالابردن رقابت بازار گاز منطقه است. این

وظیفه با ایجاد توافق‌نامه‌های بین دولتی که هماهنگی رژیم‌های نظارتی در مرزها و به اشتراک گذاری زیر ساخت‌های منطقه‌ای را بوجود می‌آورد، می‌تواند با ارائه سازوکارهای داوری و پرداخت تضمین شده مربوط به قراردادهای تامین گاز شکل عینی بگیرد. شکل‌گیری مجمع گازی مدیترانه شرقی در درجه اول، منجر به خودکفایی منطقه‌ای، در وهله دوم به افزایش ثبات منطقه‌ای و سپس بازارهای صادرات خارجی را فراهم می‌سازد. نقش کلیدی اسرائیل در مجمع گاز منطقه‌ای باعث تضعیف راهبرد انرژی ایران در مناسبات جنوب غرب آسیا خواهد شد زیرا رقابت گاز منطقه‌ای اسرائیل با توجه به تحریم انرژی ایران، باعث پیچیده شدن معادلات انرژی منطقه‌ای می‌شود.

۴-۶- تاثیر سیاست منطقه‌ای اسرائیل بر معادلات امنیت انرژی ایران

بهره‌گیری از موقعیت برتر با ایفای نقش موثر در مناسبات انرژی، مستلزم آگاهی از پویای‌های ژئوپلیتیک با محور انرژی است. شکل‌گیری الگوی همکاری انرژی با محوریت فلسطین اشغالی در مدیترانه شرقی با ایجاد خط لوله مدیترانه شرقی نشانگر الگوی امنیتی مشارکتی با غرب و گواه برتری بر ترتیبات امنیتی منطقه به نفع آن کشور است. زیرا در وهله اول هر یک از کشورهای منطقه به دنبال متنوع سازی منابع انرژی خود می‌باشند. در نتیجه تنوع مسیرهای ترانزیت عرضه و تقاضا در راستای ثبات امنیت انرژی و عدم وابستگی است امری که در جنگ روسیه با اوکراین در سال ۲۰۲۲ بر اتحادیه اروپا سایه افکنده است. از اینرو، تمایل کشورهای پیرامون فلسطین اشغالی بر ایجاد خط لوله صادراتی از میادین تمار و لویاتان یک

سیاست برد-برد متقابل می‌باشد. نخست آنکه خود کشور وارد کننده تنها به یک یا دو منبع خارجی متکی نیست همین امر به ثبات سیاسی و امنیت انرژی آن رژیم کمک می‌کند و دوم، همکاری اقتصادی کشورهای پیرامونی با فلسطین اشغالی، به تل‌آویو فرصت خروج از انزوای منطقه‌ای را می‌دهد.

کشف گازدر اسرائیل و به طور کل در مدیترانه شرقی زمینه رقابت برای انتقال یک کریدور جدید عرضه را بوجود آورده است. نقش مجمع گاز منطقه‌ای، افزایش همکاری‌های بین دولتی با هدف کاهش هزینه‌ها و خطرات، جذب سرمایه گذاران و بالابردن رقابت بازار گاز منطقه است. این وظیفه با ایجاد توافق‌نامه‌های بین دولتی که هماهنگی رژیم‌های نظارتی در مرزها و به اشتراک گذاری زیر ساخت‌های منطقه‌ای را بوجود آورده که می‌تواند با ارائه سازوکارهای داوری و پرداخت تضمین شده مربوط به قراردادهای تامین گاز شکل عینی بگیرد. شکل‌گیری مجمع گازی مدیترانه شرقی در درجه اول، منجر به خودکفایی منطقه‌ای، در وهله دوم به افزایش ثبات منطقه‌ای و سپس بازارهای صادرات خارجی را فراهم می‌سازد.

اتحاد مثلث راهبردی کشف گاز مصر-رژیم اسرائیل-قبرس به همراه شراکت گازی مصر، اردن و ترکیه بر مساله امنیت تقاضا و عدم متنوع سازی منابع انرژی ایران برای صادرات و نبود تکنولوژی تولید ال ان جی و وسایل حمل نقل آن به همراه سرمایه گذاری مناسب خارجی به علت تحریم جهانی (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۰/۱۲/۱۴). و با توجه به عدم مسیرهای متنوع صادرات منطقه‌ای امکان تاثیر بر منابع انرژی ایران در فرآیندهای منطقه‌ای را خواهد داشت و بیم آن می‌رود که با پیوستن عراق و لبنان در آینده به مجمع گاز مدیترانه شرقی، اتحاد انرژی به ضرر

ایران در مدیریتانه شرقی شکل بگیرد. گواه شاهد بر این ماجرا را در فرآیندهای انتخاباتی پارلمان لبنان می‌توان دید که ائتلاف حزب‌الله اکثریت پارلمان را از دست داده است و امکان آن دارد که ائتلاف گروه‌های دیگر فرصت را به مصر بدهد که حوزه انرژی لبنان را متاثر به خود کند. کاهش حجم انرژی صادراتی ایران به لبنان و در صورت امکان به عراق، قدرت اقتصادی ایران در نفوذ منطقه‌ای را کاهش خواهد داد و این درست با برنامه سیاست امنیت انرژی اسرائیل است.

محور ثقل بحث‌های امنیت انرژی ایران، به فرض ثبات نسبی قیمت، وجود تقاضا برای گاز تولیدی است. چالش‌هایی همچون جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال دانش فنی ناشی از مساله تحریم‌ها، آمادگی محدود در مواقع بروز اختلال در عرضه و افزایش اختلافات تجاری می‌تواند مانع افزایش تقاضای گاز ایران در سطح بین‌المللی شود. اهمیت تشریک منصفانه ریسک همه بازیگران بازارهای گاز، برای تعیین امنیت عرضه و تقاضای گاز برجسته و مهم است (سلیمی و ترکمانی، ۱۳۹۶: ۸۷). رژیم اسرائیل براساس راهبرد امنیتی خود، امنیت را در حلقه همسایگان بلافصلش حفظ کرده است و تامین امنیت گاز اردن، مصر و ترکیه قدرت چانه زنی این کشور را در معادلات انرژی و امنیتی افزوده است. این کشور درصدد است تا ضمن نفوذ در حلقه‌های پیرامون جمهوری اسلامی ایران به شریک استراتژیک کشورهای پیرامون ایران در زمینه انرژی تبدیل شود. امروزه، با وجود جنگ اوکراین و نیاز فوری اتحادیه اروپا به گاز و نفت پس از تحریم انرژی روسیه، برخلاف تصور عام، به جای جایگزینی انرژی از ایران به سمت ونزوئلا و قطر متمایل شده

است. همین امر نشان می‌دهد که تقاضای انرژی ایران به سرعت متأثر از توافقات برجام و تحریم‌های ایالات متحده می‌باشد. از آن گذشته تحولات منطقه‌ای و حساسیت سازی رژیم اسرائیل از ایران در منطقه و جهان، امکان ورود شرکت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری روی انرژی ایران را بسیار ضعیف کرده است. این رژیم وحشت دارد ایران با استفاده از منابع عظیم گازی خود، همسایگان و شرکای این رژیم را با خود متحد نماید؛ لذا سعی دارد تا از فرصت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران استفاده نموده، ضمن انعقاد گازی با کشورهای پیرامون خود همچون اردن، مصر و ترکیه با ایجاد فضای ایران هراسی توجه شرکای انرژی را به جلب گاز از کشورهای همچون قطر نماید.

۵- یافته‌ها

پس از کشف گاز در منطقه انحصاری-اقتصادی فلسطین اشغالی در مدیترانه شرقی، دولت کمیته‌هایی را مأمور اصلاح قانون نفت ۱۹۵۲ کرد. در فرآیند تصویب اصلاحیه نفت و گاز (انرژی) توسط پارلمان آن کشور و تعیین میزان ۴۰ درصدی مصرف داخلی و ایجاد زیرساخت‌های مدنظر برای خطوله لوله و تولید برق به نوعی بُعد اجتماعی امنیت ملی اسرائیل را پویا ساخت. تعیین میزان ۶۰ درصدی صادرات گاز، زمینه مناسبی برای همکاری‌های منطقه‌ای (با فروش گاز) در ابتدا با کشورهای همکار (مصر و اردن) و سپس (ترکیه و قبرس) منجر شده است. رژیم اسرائیل با درک محیط سیاسی منطقه خاورمیانه و تشویق دولت‌های منطقه مدیترانه شرقی که دارای انرژی گازی می‌باشند در سال ۲۰۱۸ پیشنهاد مجمع گاز منطقه‌ای را با همکاری مصر، اردن، ترکیه، جنبش خودگردان فلسطین، قبرس و یونان را داد

که سپس این مجمع تشکیل و برآورد می‌شود که در آینده نه چندان دور لبنان و همچنین عراق با ایجاد خط لوله انتقال گاز به اردن مقدمات ورود به این مجمع را فراهم سازند. هدف عمده رژیم اسرائیل از تاسیس مجمع، ایجاد یک بازار مشترک منطقه‌ای با هماهنگی سیاست‌های انرژی کشورهای عضو است که ضمن تضمین امنیت عرضه به افزایش وابستگی متقابل از طریق تبانی قیمت و ادغام زیرساخت‌ها در منطقه را دارد.

هر چند ذخایر کشف شده فلسطین اشغالی به نسبت ذخایر بازیگران مطرح منطقه‌ای از جمله ایران و قطر ناچیز است اما کشف همین مقدار با توجه به سیاست صادراتی و تشکیل مجمع گاز منطقه‌ای، زمینه همکاری منطقه‌ای را در آینده فراهم ساخته است. هدف اسرائیل از گاز بیشتر سیاسی است مطابق استراتژی اتحاد پیرامونی آن رژیم که خروج از انزوای منطقه‌ای با گسترش روابط اقتصادی، گاز می‌تواند به تقویت روابط اقتصادی و سیاسی، افزایش امنیت عرضه و ثبات تقاضا، تنوع اقتصادی مبتنی بر گاز و پروژه‌های بزرگتر با انرژی تجدیدپذیر برای حمایت از آینده انرژی پایدار را فراهم کند. تحقق منافع کامل تجارت گاز منطقه‌ای به اراده سیاسی همکاری در توافق نامه‌های تجارت منطقه‌ای در یک محیط نظارتی هماهنگ برای تجارت بستگی دارد، که با توجه به تمایل کشورهای منطقه از جمله مصر، اردن، ترکیه نوید همکاری‌های گسترده بین دولتی با ورود بازیگران جدید همچون عراق را نشان می‌دهد.

گاز مدیترانه شرقی زمینه رقابت برای انتقال یک کریدور جدید عرضه را بوجود آورده است. همانطور که از زمان کشف گاز در مدیترانه شرقی، در مدت خیلی کم زیرساخت‌ها برای همکاری انرژی در سطح منطقه‌ای و همچنین فضا برای صادرات گاز به اتحادیه اروپا با خط لوله مد شرقی بوجود آمده است. چه بسا دیگر بازیگران گاز منطقه‌ای همچون عراق با انتقال گاز به اردن و اتصال با خطوط لوله گاز منطقه‌ای به اعتبار مجمع بیافزاید. کیفیت و کمیت منابع گاز، موقعیت جغرافیایی و تمایل دولت‌های منطقه‌ای در توسعه زیرساخت‌های خط لوله اتصالی، استقرار تدریجی یک کریدور انرژی منطقه‌ای را مهیا ساخته است که توسط یک مرکز جدید هدایت می‌شود که رژیم اسرائیل از بنیان این امر می‌باشد. جائیکه زنجیره گاز مجبور به وابستگی متقابل اقتصادی و زمینه همکاری‌های سیاسی را فراهم کرده است. نقش مجمع گاز منطقه‌ای، افزایش همکاری‌های بین دولتی با هدف کاهش هزینه‌ها و خطرات، جذب سرمایه‌گذاران و بالابردن رقابت بازار گاز منطقه است. این وظیفه با ایجاد توافق‌نامه‌های بین دولتی که هماهنگی رژیم‌های نظارتی در مرزها و به اشتراک گذاری زیرساخت‌های منطقه‌ای را بوجود می‌آورد می‌تواند با ارائه سازوکارهای داوری و پرداخت تضمین شده مربوط به قراردادهای تامین گاز شکل عینی بگیرد. شکل‌گیری مجمع گازی مدیترانه شرقی در درجه اول، منجر به خودکفایی منطقه‌ای، در وهله دوم به افزایش ثبات منطقه‌ای و سپس بازارهای صادرات خارجی را فراهم می‌سازد.

۶- نتیجه‌گیری

فلسطین اشغالی پس از کشف گاز در مدیترانه شرقی با کمبود منابع مقرراتی در زمینه انرژی مواجهه بوده است. آن رژیم، ابتدا با بررسی قانون نفت و گاز ۱۹۵۲، کمیته‌هایی را برای اصلاح تعبیه کرد. کمیته ششینسکی با اصلاح قانون نفت و گاز و توصیه بر موادی همچون مالیات بر ارزش افزوده و سپس کمیته تزاوج با مشخص ساختن میزان صادرات گاز که ۶۰ درصد از میزان تولید را شامل می‌شود به اصلاح تنظیم قوانین انرژی پرداختند. رژیم اسرائیل با فروش گاز در عرصه منطقه‌ای، ابتدا با کشورهای همکار که خط لوله گاز در آن کشورها تعبیه شده است، به دنبال فروش به اتحادیه اروپا با ایجاد خط لوله مدیترانه شرقی و صادرات گاز به ترکیه می‌باشد. اهداف فلسطین اشغالی از فروش گاز در محیط پیرامونی خود، خروج از انزوای منطقه‌ای است و با خط لوله مد شرقی به دنبال اهداف سیاسی فروش آن می‌باشد. هر چند میزان کشفیات گازی اسرائیل به نسبت دیگر بازیگران انرژی جهان بسیار ناچیز برآورد شده است، نشان می‌دهد که آن رژیم چندان از منابع گازی برخوردار نمی‌باشد. بنابراین هدف عمده رژیم اسرائیل از ایجاد انجمن گازی مدیترانه شرقی، بیشتر خروج از انزوای منطقه‌ای با توجه به شناسایی آن رژیم (اهداف سیاسی) می‌باشد هرچند دیگر ابعاد اقتصادی (میزان فروش گاز)، اجتماعی همچون (تامین گاز مورد نیاز داخلی برای عرضه) از دیگر اهداف آن رژیم دانسته می‌شود. بنابراین به نظر می‌آید سیاست گازی فلسطین اشغالی به دنبال تقویت بناهای اقتصادی و سیاسی برای خروج از انزوای منطقه‌ای و شناساندن

است. زیرا تشکیل مجمع گاز منطقه‌ای با حضور کشورهای پیرامونی همچون مصر، اردن، ترکیه، قبرس با اضافه شدن کشورهای دیگر همچون عراق و لبنان و ... به افزایش همکاری‌های بین دولتی، جذب سرمایه و بالا بردن رقابت بازار سرمایه و تنوع بناهای اقتصادی و اجتماعی متقابل منجر می‌شود. همین امر زمینه مناسبی برای بسط روابط دیپلماتیک در آینده بین کشورهای اعتدال‌گرای عربی با آن رژیم می‌تواند باشد. صادرات گاز آن رژیم به قدرت نفوذ ژئوپلیتیکی تل‌آویو منتهی می‌شود که چه بسا همین امر در اثر همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با کشورهای عرب پیرامون خود به تکنمای امنیتی ایران در معادلات خاورمیانه عربی دامن بزند.

منابع

۱. ابراهیمی، نبی‌الله و رشیدی، قدرت (۱۳۹۴). «پیامدهای امنیتی کشف گاز در مدیترانه شرقی»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره دوم، ص ۷۱-۱۰۰.
۲. احمدی، وحیده (۱۳۹۶)، «اسرائیل و کشورهای پیرامونی: نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره دوم، صفحات ۱۳۵-۱۱۳.
۳. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۶). «لوله‌های فرامرزی گاز و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره سی و دو، پاییز، صفحات ۹۰-۶۷.
۴. خجسته مهر، محسن (۱ شهریور ۱۴۰۱). «ذخایر هیدروکربنی ایران معادل ۱۲۰۰ کیلیارد بشکه نفت خام»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، کدخبر ۱۴۰۱۰۶۰۱۰۰۲۷۷، قابل دسترسی در سایت: www.isna.ir/xdmghs
۵. دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۰/۱۲/۱۴، معمای صادرات گاز ایران: بایدها و نبایدها، کد ۲۰۱۰۲۹۰.

6. Ashwarya, S. (2018). "Israel's Mediterranean Gas Governance: Evolution of Domestic Regulations and Emerging Regional Issues, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, in <https://doi.org/10.1080/25765949.2017.12023319>
7. Aslim, I. (2019). "Energy Sources in the Eastern Mediterranean: Contributor to Solve the Problems in Cyprus, Turkey, and Israel Triangle?, Athens Journal of Mediterranean Studies-Volume 4, Issue 1- page 36-46, January.
8. Bahgat, G. (2011). "Israel's Energy Security: Regional Implications, Middle East Policy, XVIII (3), Retrieved from <https://sci-hub-tw/10.1111/j.1475-4967.2011.00495.x>
9. Buzan, B. (1991). "People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold war ERA, Harvester Wheatsheaf Publication. London.
10. Buzan, B. and Waever, O. (2003), "Regions and Powers: The Structure of International Security", Cambridge university.
11. Buzan, B. Weaver, O. and De Wilde, J. (1998). "Security: A New Framework for Analysis", Boulder, Co; London: Lynne Rienner, P.23
12. Chafer, A. A. (2016). "Egypt's Zohr Gas Discovery: Opportunities and Challenges, in A. G. Moran, H. Tzimitras, & H. Faustman (Eds), Global Energy Debats and the Eastern Mediterranean (pp. 53-57). Nicosia, Cyprus: Atlantic Council
13. Cherp, A. and Jewell, J. (2014). "The Concept of Energy Security: Beyond the Four As, Energy Policy, Journal homepage:www.elsevier.com/locate/enpol
14. De Boncourt, M. (2013) Offshore Gas in East Mediterranean: from Myth to Reality, Center for Energy and Contemporary Turkey Program (ifri), Tous droits Reserves-www.connaissancedesenergies.org
15. Ezrahi, A. (2016). "Cooperation prospects and conflict Potential around Hydrocarbons in the Middle East: Israel-Egypt-

- Palestinian Territories-Jordan, The S. Daniel Abraham Center for International And Regional Studies (S.D.A.C), Tel Aviv university, Retrieved from www.tau.ac.il/humanities/abraham february.
16. Gardosh, M., Golan, E., & lippman, S. (2019) Israel expands offshore exploration opportunities. Oil & Gas Journal. January 4, Retrieved from <https://www.ogi.com/articles/print/volume-117/issue-4/special-report-exploration-focus/israel-expands-offshore-exploration-opportunities.html>
 17. Gold, Z. (2016). Salafi Jihadist Violence in Egypt's North Sinai: Form Local Insurgency to Islamic State Province, International Center for Counter-Terrorism. Retrieved from <http://www.icct.nl/wp-content/uploads/2016/04/ICCT-zach-Gold-salafi-jihadist-violence-in-Egypt's-north-sinai-April-2016.pdf>
 18. Jyoti Dos, H. (20120). "Israel's Gas Diplomacy with Egypt, Contemporary Review of the Middle East, Reprints and Permissions: in Sagepub.com/journals-india, Dol: 10.1177/2347798920901877 Journals. Sagepub.com/home/cme.
 19. Hegazy, K. (2015). Egypt's Energy Sector: Regional Cooperation Outlook and Prospects of Furthering Engagement with the Energy Charter. Energy Charter Secretariat Knowledge Centre. Retrieved from <https://energycharter.org/fileadmin/documentsmedia/occasional/Egypt-and-the-charter.pdf>
 20. Hochberg, M. (2016). "Israel's Energy Potential: Securing the Future", Middle East Institute Policy Focus Series, Washington, DC 20036, www.mei.edu. August.
 21. Mahdi, A. (2019). Geoeconomic Leverage of Natural Gas Resources in the Mediterranean, contemporary Arab Affairs, December.

22. Ozcan, S. (2013). "Securitization of Energy Through the Lenses of Copenhagen School, West East Institute (WEI), International Academic Conference Proceedings Orlando, USA, 23 March.
23. Rzayeva, Gulmira. (2014). "Natural Gas in the Turkish Domestic Energy market: Policies and challenges", The Oxford Institute for Energy Studies, Retrieved from <https://www.oxfordenergy.org/wpcms/wp-content/uploads/2014/02/NG-82.pdf>
24. Sachs, N. and Boersma, T. (2015). "The Energy Island: Israel Deals with its Natural Gas Discoveries, foreign policy at Brookings, Number 35, February
25. The New York Times. (2005, July 1). "Egypt And Israel Sign 15-year Natural Gas Deal. The New York Times. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2005/07/01/business/worldbusiness/egypt-and-israel-sign-15year-natural-gas-deal.html>
26. Tsakiris, T. ; Ulgen, S. and K. Han, A. (2018). Gas Developments in the Eastern Mediterranean: Trigger or Obstacle for Eu-Turkey Cooperation?, Future online Paper No.22, The Future of Eu-Turkey Relations: Mapping Dynamics and Testing Scenarios.